

آینده پژوه:

شماره ۶

تحلیل وضعیت آتش بس و

مسیرهای پیش رو

بروزرسانی چهارم ۱۶ اردیبهشت



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

اردیبهشت ماه ۱۴۰۵



تحلیل وضعیت آتش بس و مسیرهای پیش رو

مرکز پژوهش های اتاق ایران (مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی)

تهیه و تدوین: سید حسین طباطبائی نسب

تاریخ انتشار: اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

شناسه یکتا: RC-1404-MEF-D3-PP-1199

واژگان کلیدی: ایران، آمریکا، آتش بس، بازدارندگی، تعامل

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

آدرس مرکز پژوهش هادر شبکه های اجتماعی:

Instagram: @rc_iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima

تحولات اخیر در تنگه هرمز نقطه عطف مهمی در مسیر تعامل ایران و ایالات متحده محسوب می‌شود. اگر در مراحل پیشین، نشانه‌های حرکت به سمت خصومت عمدتاً در سطح فشار اقتصادی، سیگنال‌دهی، و افزایش تنش قابل مشاهده بود، اکنون این خصومت وارد مرحله‌ای شده است که می‌توان آن را **تحقق یافته در سطح تعامل مستقیم** دانست. با این حال، نکته کلیدی در فهم این وضعیت آن است که **این تحول به معنای ورود به جنگ نیست**، بلکه مطابق گزاره اشاره شده در روزرسانی قبلی (روزرسانی سوم ۱۲ اردیبهشت) **نشان‌دهنده شکل‌گیری الگویی پیچیده‌تر از تعامل است**. در این مرحله، برای نخستین بار شاهد ترکیب هم‌زمان تقابل نظامی محدود، بازدارندگی فعال، و تداوم دیپلماسی هستیم. این هم‌زمانی، به‌خوبی نشان می‌دهد که مسیر «خصومت» در این چارچوب نه یک نقطه پایان، بلکه یک حالت تعاملی خاص است. به بیان روشن‌تر، خصومت لزوماً به معنای جنگ نیست، بلکه به معنای غلبه منطق تقابلی در تعامل است - حتی در شرایطی که کانال‌های دیپلماتیک همچنان فعال باقی می‌مانند.

از منظر ساختاری، مهم‌ترین تحول در این مرحله، **تغییر ماهیت بازدارندگی** است. در حالی که در مراحل قبلی بازدارندگی عمدتاً بر اجتناب از تماس مستقیم استوار بود، اکنون با نوعی از **بازدارندگی در شرایط تماس مواجه هستیم**؛ وضعیتی که در آن طرفین قادرند وارد تعامل محدود نظامی شوند، بدون آن که این تعامل به تصاعد کنترل نشده منجر شود. این تحول نشان می‌دهد که **بازدارندگی نه تنها فرو نپاشیده، بلکه خود را با شرایط جدید تطبیق داده است**.

در حوزه ادراک تهدید نیز شاهد تثبیت کامل میدان اقتصادی هستیم، اما با یک لایه جدید: ابزارهای نظامی اکنون به‌طور مستقیم در خدمت اهداف اقتصادی قرار گرفته‌اند. تنگه هرمز به‌عنوان یک گلوگاه حیاتی، به میدان اصلی تقابل تبدیل شده و کنترل یا اختلال در آن، به ابزار کلیدی چانه‌زنی بدل شده است. این بدان معناست که **منطق تعامل از «نمایش قدرت» به «استفاده عملی از قدرت» منتقل شده است**.

در عین حال، رفتار طرفین نشان می‌دهد که یک نوع **مکانیسم مهار درون سیستمی** همچنان فعال است. استفاده از نیروی نظامی در سطح محدود، بلافاصله با نشانه‌هایی از توقف، مدیریت، یا بازگشت به مسیر دیپلماتیک همراه می‌شود. این الگو نشان می‌دهد که اگرچه سطح تنش افزایش یافته، اما تمایل به کنترل آن نیز به همان نسبت تقویت

شده است.

در مجموع، به‌روزرسانی چهارم تصویری از یک سیستم ارائه می‌دهد که در آن تعامل به سطحی بالاتر از پیچیدگی رسیده است: **خصوصیت تحقق یافته، اما در قالب تعامل کنترل شده.** این وضعیت نه نشانه‌ای از فروپاشی نظم، بلکه بیانگر نوعی تعادل است که در آن تقابل و مهار به‌صورت هم‌زمان عمل می‌کنند. درک این تمایز برای جلوگیری از برداشت‌های اغراق‌آمیز درباره احتمال جنگ و همچنین برای فهم دقیق‌تر مسیر آینده تعامل، کاملاً حیاتی است.

تحولات اخیر در تنگه هرمز نشان می‌دهد که تعامل ایران و ایالات متحده وارد مرحله‌ای جدید از **خصوصیت در بستر تعامل کنترل شده** گشته است. برخلاف مراحل پیشین که رقابت عمدتاً در سطح فشار اقتصادی و سیگنال‌دهی باقی مانده بود، اکنون شواهدی از **تعامل مستقیم و محدود نظامی** میان طرفین مشاهده می‌شود. با این حال، این تحول به معنای حرکت به سمت جنگ نیست. بلکه بیانگر تثبیت الگویی است که در آن **تقابل، بازدارندگی، و دیپلماسی به‌صورت هم‌زمان و درهم‌تنیده عمل می‌کنند.** مهم‌ترین ویژگی این مرحله، توانایی سیستم در **جذب شوک‌های نظامی محدود بدون ورود به تصاعد گسترده** است.^۱

۱. وضعیت سیستم: بازدارندگی تحت فشار اما کارآمد

در این مرحله، بازدارندگی همچنان برقرار است، اما ماهیت آن تغییر یافته است. وقوع درگیری‌های محدود و کنترل‌شده در تنگه هرمز؛ استفاده از نیروی نظامی در سطح تاکتیکی و توقف نسبی عملیات پس از نمایش قدرت به عنوان شواهد نشان می‌دهد که بازدارندگی دیگر صرفاً مبتنی بر اجتناب از تماس نیست، بلکه به‌صورت **بازدارندگی در شرایط تماس مستقیم عمل می‌کند.**

بازدارندگی فعال، تطبیق یافته، و همچنان مؤثر

۲. ادراک تهدید: تثبیت میدان اقتصادی با پشتیبانی نظامی

ادراک تهدید همچنان حول محور اقتصاد و امنیت انرژی متمرکز است، اما با یک

۱. روش‌شناسی این گزارش در پیوست اول (انتهای گزارش) ارائه شده است.

تغییر مهم: تنگه هرمز به عنوان میدان اصلی تقابل تثبیت شده و ابزارهای نظامی در خدمت حفظ یا اختلال در جریان اقتصادی از مسیر تنگه قرار گرفته اند. اقدامات نظامی کارکردی پشتیبان برای اهداف اقتصادی پیدا کرده اند و این الگو به الگوی نسبتاً پایدار و غالب در تعامل دو طرف در بعد ادراک تهدید اقتصادی تبدیل شده است. اکنون بعد از چندین بروزرسانی مدل تحلیلی، می توانیم این الگو را به عنوان الگوی اصلی شکل دهنده پویایی ماهیت ادراک تهدید و به احتمال زیاد مهمترین کلید تعارض معرفی کنیم.

تهدید اقتصاد میدان اصلی رقابت؛ تهدید نظامی ابزار پشتیبان

۳. توازن اهرمها: گذار به تقابل عملیاتی

در این مرحله، توازن اهرمها از حالت بالقوه به حالت عملیاتی تغییر کرده است. ایالات متحده اقدام به مداخله مستقیم برای تضمین عبور و مرور از تنگه کرده اما ایران با یک پاسخ سریع و کنترل شده اعمال کنترل و اختلال فعال در تنگه را به عنوان مهمترین اهرم خود در الگوی پایدار پیش گفته تصریح می کند. این وضعیت نشان دهنده گذار از: رقابت بر سر اهرمها به استفاده عملی از اهرمها در میدان واقعی است. شرایطی که به مرور زمان می تواند منجر به بروز مجدد برخوردهای مشابه نظامی و تعاملات خصومت آمیز جدید در تنگه شود.

۴. ارزیابی مسیرها: تحقق خصومت در قالب تعامل

همکاری (مفاهمه): بسیار ضعیف اما موجود

- کانالهای دیپلماتیک همچنان فعال هستند
- نشانه هایی از تلاش برای مدیریت بحران دیده می شود

رقابت (معاوضه): در حال ادغام با خصومت

- فشار اقتصادی ادامه دارد
- اما دیگر تنها مؤلفه تعیین کننده نیست

خصومت (مقابله): محقق شده در سطح تعاملی

در این مرحله باید تأکید کرد که مطابق آنچه در بروزرسانی قبلی گفته شد

(و نشانه‌های آن در اتفاقات اخیر در تنگه مشاهده شد) **خصومت به معنای تحقق عملیات نظامی گسترده در معنای جنگ نیست، بلکه به معنای غلبه منطق تقابلی در تعامل است.**

نشانه‌های این الگو شامل موارد زیر است:

- درگیری محدود نظامی
- اعمال متقابل قدرت
- افزایش بی‌اعتمادی ساختاری

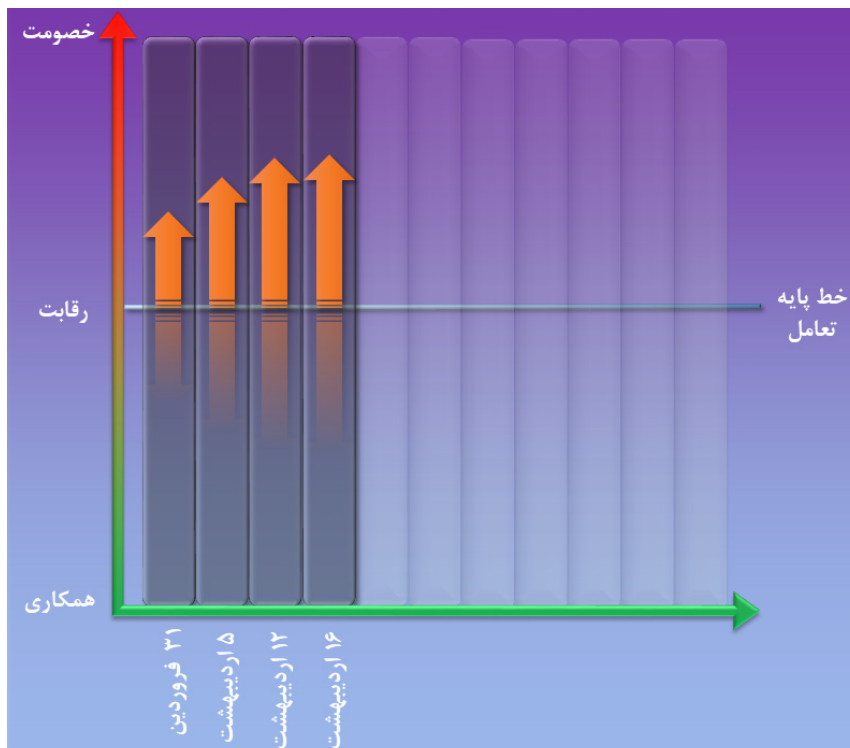
خصومت در حال تحقق است، اما در قالب تعامل کنترل شده، نه تقابل تمام‌عیار

۵. پایش محرک‌ها: حساسیت بالا، اما با مکانیزم مهار

تشدید درگیری در هرمز همچنان مهم‌ترین محرک تصاعدی تنش است. اما اکنون شواهدی از کنترل پس از تصاعد وجود دارد که نشانه‌هایی هرچند ضعیف از شکل‌گیری و تولد یک مکانیسم مهار در ادراک دو طرف است.

شکست کامل مذاکرات می‌تواند سیستم را از تعامل خصمانه به تقابل گسترده‌تر سوق دهد. این محرک حساس‌ترین محرک با اثرگذاری سریع برای شکست تعادل سیستم است.

گسترش جغرافیایی درگیری با ورود فعال‌تر بازیگران منطقه‌ای و افزایش پیچیدگی و ریسک سیستمی بعد از اتفاقات تنگه هرمز به عنوان یک محرک جدید قابل شناسایی است. در این مرحله هنوز نشانه‌ای از ورود مستقل سایر بازیگران دیده نمی‌شود اما به عنوان یک محرک مهم قابل رصد و ارزیابی است.



در نهایت تحلیل تحولات اخیر نشان می‌دهد که تعامل ایران و ایالات متحده وارد مرحله‌ای شده است که می‌توان آن را به‌عنوان **خصومت عملیاتی در چارچوب بازدارندگی** تعریف کرد. در این مرحله تماس مستقیم میان طرفین افزایش یافته؛ ابزارهای نظامی به‌صورت محدود مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما هم‌زمان، مکانیزم‌های مهار و دیپلماسی همچنان فعال باقی مانده‌اند این وضعیت نشان‌دهنده یک **تعادل پویا و پیچیده** است که در آن تقابل و کنترل به‌صورت هم‌زمان عمل می‌کنند.



پیوست اول: روش‌شناسی گزارش



این گزارش از یک چارچوب تحلیلی حداقلی بهره می‌گیرد که برای تبیین و پایش روند تعاملات میان ایران و ایالات متحده در شرایط **پویای تعارض، عدم قطعیت بالا و تغییرات سریع** طراحی شده است. در این رویکرد، به جای تلاش برای بازنمایی تمامی پیچیدگی‌های محیط تعارض، تمرکز بر مجموعه‌ای محدود اما موثر از متغیرهای ساختاری تعیین‌کننده قرار می‌گیرد که منطق تقابل و تعامل پس از آن را شکل می‌دهند. این چارچوب بر سه مؤلفه اصلی استوار است: (۱) **بازدارندگی نامتقارن**، (۲) **تحول در ماهیت تهدید**، و (۳) **مسیرهای تعامل راهبردی**.

بازدارندگی نامتقارن

تقابل نظامی میان ایران و ایالات متحده در بستری از عدم تقارن معنادار در توانمندی‌های نظامی شکل می‌گیرد. ایالات متحده از برتری آشکار در جنگ‌های پرشدت و کوتاه‌مدت برخوردار است و توانایی وارد آوردن آسیب‌های گسترده در بازه زمانی محدود را داراست. در مقابل، ایران فاقد ظرفیت دستیابی به پیروزی قاطع در چارچوب‌های متعارف نظامی است، اما از قابلیت‌های قابل توجهی در حوزه جنگ نامتقارن، عملیات توزیع‌شده و ظرفیت‌های تصاعد تنش منطقه‌ای بهره‌مند است. با وجود این عدم تقارن، برهم‌کنش دو طرف به نوعی بازدارندگی منجر می‌شود. این بازدارندگی مشروط و بالقوه شکننده است؛ پایداری آن وابسته به تداوم پایبندی طرفین به منطق بازدارندگی بوده و می‌تواند در اثر خطای محاسباتی، برداشت نادرست از خطوط قرمز، یا مداخله بازیگران ثالث دچار اختلال شود. همچنین به معنای توازن قدرت نیست، بلکه نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن هر یک از طرفین قادر است دیگری را از دستیابی به یک پیروزی قاطع، سریع و کم‌هزینه بازدارد. برآیند این وضعیت، نوعی بن‌بست عملیاتی اما ناتمام از حیث راهبردی است که در آن، علی‌رغم تداوم تنش، سطوح تصاعد تنش مهار می‌شوند.

تحول در ماهیت تهدید

در بستر این بازدارندگی شکننده، یکی از مهم‌ترین پویایی‌های قابل مشاهده، تحول در ماهیت ادراک تهدید است. در مراحل اولیه تقابل، نگرانی اصلی معطوف به بقا و امنیت نظامی است. پایدار شدن وضعیت بدون پیروزی قاطع، مجموعه‌ای از فشارهای انباشتی را فعال می‌کند. از یک سو، آثار اقتصادی جنگ - از جمله آسیب به زیرساخت‌ها، اختلال در مبادلات و تشدید محدودیت‌های خارجی - بیش از پیش آشکار و از نظر سیاسی معنادار می‌شوند. از سوی دیگر، کارایی نهایی تشدید تنش نظامی کاهش می‌یابد، چرا که طرفین با محدودیت‌های ابزار نظامی در دستیابی به اهداف حداکثری مواجه شده‌اند. هم‌زمان، مسائل مربوط به ثبات داخلی، تاب‌آوری اقتصادی و انسجام اجتماعی در محاسبات راهبردی برجسته‌تر می‌گردد. در نتیجه این روندها، نوعی چرخش نسبی در ماهیت تهدید از حوزه نظامی به حوزه اقتصادی و سپس اجتماعی شکل می‌گیرد. این چرخش به معنای حذف بعد نظامی نیست، بلکه بیانگر بازتنظیم اولویت‌ها در چارچوبی است که همچنان توسط بازدارندگی ساختار بندی می‌شود. در این شرایط، ابزارهای اقتصادی - از جمله تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی و کنترل بر گلوگاه‌های راهبردی - اهمیت فزاینده‌ای می‌یابند، در حالی که توان نظامی به عنوان عامل پس‌زمینه‌ای، حدود و ثغور رفتارها را تعیین می‌کند.

مسیرهای تعامل راهبردی: رقابت، همکاری، خصومت

بر پایه بازدارندگی نامتقارن و تحول در ماهیت تهدید، سه مسیر اصلی برای تعامل راهبردی میان ایران و ایالات متحده شناسایی پدید می‌آید: **معاوضه** (رقابت)، **مفاهمه** (همکاری) و **مقابله** (خصومت). این مسیرها نه به عنوان انتخاب‌های از پیش تعیین‌شده، بلکه به عنوان الگوهای برآمده از تعامل میان محدودیت‌ها، ادراک تهدید و اهرم‌های در دسترس در نظر گرفته می‌شوند.

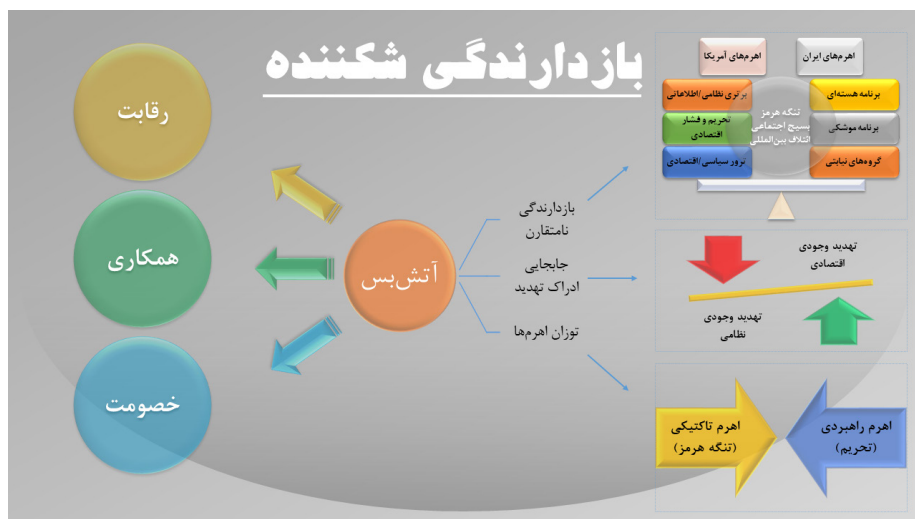
- معاوضه یا رقابت بیانگر وضعیتی از تقابل مدیریت‌شده است که در آن طرفین می‌کوشند بدون تغییر بنیادین در ساختار رابطه، موقعیت نسبی خود را بهبود بخشند. در این مسیر، چانه‌زنی، امتیازدهی محدود و بهره‌گیری مستمر از ابزارهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی در چارچوبی کنترل‌شده دنبال می‌شود.
- مفاهمه یا همکاری زمانی شکل می‌گیرد که دو طرف به درک مشترکی از



محدودیت‌های اعمال فشار و هزینه‌های تداوم تعارض دست یابند. در این وضعیت، تعامل به سمت ترتیبات مذاکره‌شده، نوعی تعدیل متقابل و ایجاد سازوکارهایی برای کاهش نااطمینانی حرکت می‌کند.

- مقابله یا خصومت به مسیری اطلاق می‌شود که در آن قیود بازدارندگی تضعیف یا نادیده گرفته شده و تعامل به سمت تشدید تقابل در حوزه‌های مختلف سوق پیدا می‌کند. این مسیر با افزایش ریسک تصاعد تنش، تضعیف کانال‌های دیپلماتیک و بی‌ثباتی گسترده‌تر همراه است. نکته مهم اینکه در این چارچوب، «خصومت» صرفاً به معنای تقابل نظامی نیست، بلکه بیانگر سطح بالای بی‌اعتمادی و غلبه منطق تقابلی در تعامل است. در این وضعیت، دیپلماسی می‌تواند همچنان ادامه یابد، اما در قالبی خصمانه و تحت فشار.

هر یک از این مسیرها واجد ترکیبی متفاوت از ارزش راهبردی، امکان‌پذیری سیاسی و سطح ریسک هستند و جابه‌جایی میان آنها تابعی از شرایط متغیر محیطی است، نه یک روند خطی و از پیش تعیین‌شده.



تحلیل و پایش تحولات

هدف این چارچوب، ارائه پیش‌بینی‌های قطعی نیست، بلکه فراهم‌سازی مبنایی

منسجم برای پایش ساختاری تحولات است. بر این اساس، تحلیل‌های این گزارش - و به‌روزرسانی‌های آتی - بر سه مولفه اصلی متمرکز خواهند بود:

- **وضعیت بازدارندگی:** ارزیابی میزان پایداری یا فرسایش تعادل موجود.
- **روند ادراک تهدید:** بررسی تغییرات در وزن نسبی فشارهای نظامی و اقتصادی.
- **توازن اهرم‌ها:** تحلیل کارآمدی و اعتبار ابزارهای اعمال نفوذ هر یک از طرفین، به‌ویژه در حوزه اقتصادی و گلوگاه‌های راهبردی.

افزون بر این، توجه ویژه‌ای به عوامل محرک تغییر مسیر خواهد شد؛ عواملی نظیر رخداد‌های تنش‌زا، شوک‌های اقتصادی یا گشایش‌های دیپلماتیک که می‌توانند جهت حرکت سیستم را دگرگون کنند. از طریق پایش منظم این ابعاد، چارچوب حاضر امکان ارائه تفسیری منسجم از تحولات جاری و شناسایی مسیر غالب تعامل را فراهم می‌آورد.



تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵
تلفن: ۸۵۷۳۰۰۰۰ (۰۲۱)
RC.ICCIMA.IR